



این متن از سایت دانشنامه حوزوی "ویکی فقه" اخذ شده است. برای آشنایی و استفاده بیشتر به نشانی www.wikifeqh.ir مراجعه فرمایید.

تمدن

این واژه از اصل عربی «مدینه» گرفته شده و به معنای **اقامت** در **شهر** و خو گرفتن به اخلاق مردم آن به کار رفته است.^[۱]

فهرست مندرجات

- ۱ - معانی تمدن در زبانهای مختلف
- ۲ - معنای اصطلاحی تمدن
- ۳ - اقتضات تمدن
- ۴ - تمدن از دیدگاه ابن خلدون
 - ۴.۱ - راه رسیدن به تمدن
- ۵ - تفاوت تمدن و فرهنگ
 - ۵.۱ - دیدگاه علامه جعفری
- ۶ - فهرست منابع
- ۷ - پانویس
- ۸ - منبع

معانی تمدن در زبانهای مختلف

در فارسی نیز به معنای **شهرنشینی**، اخلاق شهری پیدا کردن و انتقال از حالت خشونت، **توحش** و **جهل** به ظرافت، انس و **معرفت**^[۲] و در مقابل **بادیه نشینی**^[۳] و **بربریت**^[۴] به کار رفته است. واژه های المَدَنِيَّة، الحَضَر، الحضارة^[۵] و Civilization به ترتیب در عربی و لاتین برای رساندن مفهوم تمدن به کار می‌روند.

معنای اصطلاحی تمدن

گرچه مفهوم **تمدن** به‌طور عام از دیرباز وجود داشته و **ابن خلدون** با کلید واژه های «ال عمران» و «الحضارة» بدان پرداخته است؛^[۶]^[۷]^[۸] ولی واژه و مفهوم **اصطلاحی** تمدن به معنای امروزی از **قرن ۱۸** میلادی براساس دیدگاه انسان محور در **مغرب زمین** شکل گرفته و دانشمندان **علوم اجتماعی** تعریف‌هایی متفاوت از آن ارائه کرده اند؛^[۹]^[۱۰] گروه زیادی آن را مترادف با فرهنگ یا شکلی پیشرفته تر از آن دانسته و برخی دیگر حوزه معنایی آن دو را از یکدیگر جدا کرده اند.^[۱۱]^[۱۲] با وجود گوناگونی تعریف‌ها و دشواری ارائه تعریفی واحد از مفهوم تمدن، وجود سازمان و نظم اجتماعی و پیشرفت مادی و معنوی انسان، نقطه مشترک بسیاری از دیدگاه های دانشمندان علوم اجتماعی اند.

اقتضات تمدن

تمدن در **مفهوم قوم‌شناختی** گسترده خود مجموعه ای پیچیده است که شناخت، **اعتقاد**، **هنر**، **اخلاق**، **قانون**، **رسم** و هر نوع قابلیت و عادت دیگری را شامل می‌شود که به وسیله انسان به عنوان یک عضو **جامعه** کسب گردد.^[۱۳] تمدن را نوعی خاص از پیشرفت مادی و **معنوی** می‌دانند که شامل مجموعه ای از پدیده های اجتماعی انتقال پذیر و دارای **جهت مذهبی**، اخلاقی، زیباشناختی، **فنی** یا علمی و مشترک در همه اجزای یک جامعه وسیع یا چندین جامعه مرتبط با یکدیگر است.^[۱۴] همچنین وجود مجموعه ای از دانش‌ها و فنون برای کنترل طبیعت و ساماندهی **زندگی اجتماعی** مبتنی بر تقسیم کار و در نتیجه پدید آمدن عناصر **اقتصادی**، **قضایی**، فرهنگی، اخلاقی و مذهبی لازم است، بر این اساس گرچه **جوامع روستایی** دارای فرهنگ اند؛ ولی تا شهر وجود نداشته باشد نمی‌توان از تمدن سخن گفت.^[۱۵]^[۱۶] تمدن، اقتضای **نظمی اجتماعی** را دارد که در نتیجه آن **خلاقیت فرهنگی** امکانپذیر گردد و شامل ارکانی چون پیش بینی در امور اقتصادی، سازمان **سیاسی**، **سنت های اخلاقی** و کوشش در راه شناخت و گسترش **هنر** است. از نگاه تاریخ تمدن با بالا رفتن **فرهنگ عمومی**، **فکر کشاورزی** تولید می‌شود، با ساخت شهر، روحیه **تجمل** و خوشگذرانی پدید می‌آید و در محل برخورد راه های **بازرگانی عقل‌ها** بارور و خلاقیت آشکار شده، در نتیجه در پی رشد **سجایای اخلاقی** و شکوفایی دانش، هنر و **ادبیات**، شکل می‌گیرند.^[۱۷]

تمدن از دیدگاه ابن خلدون

از نگاه **ابن خلدون**، تمدن حالت اجتماعی انسان است^[۱۸]^[۱۹] و فرایند آن در انتقال از **بداوت** تحقق می‌یابد؛ اهل **بادیه** تنها به لوازم ضروری **زندگی** توجه می‌کنند؛ ولی شهرنشینان این مرحله را سپری کرده، به بهره های غیر ضروری و تجمل در **شئون زندگی** می‌پردازند، از این رو تمدن نهایت **بادیه نشینی** است و در پی آن پدید می‌آید.^[۲۰]^[۲۱]^[۲۲]

← **راه رسیدن به تمدن**

او تشکیل حکومت را برای رسیدن به این مرحله لازم می‌داند و معتقد است دولت با گردآوری مالیات از مردم و پخش آن در میان کارگزاران، سبب افزایش ثروت آنان شده و همین، زمینه نجل و به تبع آن رشد صنعت و هنر را فراهم می‌کند [۲۳] بدین ترتیب با گذشت زمان روش‌هایی منظم از زندگی، کار، دانش، صنعت، اداره شئون مملکت و فراهم کردن وسایل رفاه و آسایش مردم حاصل می‌شوند [۲۴][۲۵][۲۶] روند رو به تکامل شئون یاد شده، به آنها نظام بخشیده و با تولید علم، رشد خرد جامعه را سبب می‌شود. او همچنین وجود نوعی عصیت و همبستگی را برای شکل‌گیری حکومت و تمدن ضروری می‌داند. [۲۷][۲۸][۲۹]

تفاوت تمدن و فرهنگ

در تفکیک میان تمدن و فرهنگ گفته شده که فرهنگ به جلوه‌های زندگی مانند دین، هنر، ادبیات و هدف‌های اخلاقی اختصاص دارد و تمدن شامل سازمان کامل جامعه و نظام‌های اجتماعی و فنون کار و ابزار مادی است که انسان برای تسلط بر شرایط زندگی خویش پدید می‌آورد [۳۰]

← دیدگاه علامه جعفری

علامه جعفری ضمن تفکیک دو مفهوم یاد شده، با رویکردی ارزش‌مدارانه تمدن را تشکیل هم‌هانگی انسان‌ها در حیات معقول به همراه روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌ها در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه ابعاد مثبت تعریف می‌کند؛ [۳۱] ولی از دید او فرهنگ، روش‌هایی است که انسان‌ها برای کیفیت زندگی خود برمی‌گزینند و با گذشت زمان و کمک عوامل طبیعی، پدیده‌های روانی و رویدادهای اثرگذار در حیات یک جامعه پدید می‌آید. [۳۲]

فهرست منابع

- (۱) گلستان قرآن (هفته نامه)، تهران، مرکز توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی.
- (۲) عبدالرحمن بن مجد بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، به کوشش علی عبدالواحد، قاهرة، دار نهضة مصر.
- (۳) علی اکبر ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهش، ۱۳۸۲ ش.
- (۴) پژوهش‌های علوم انسانی (فصلنامه)، دانشگاه قم.
- (۵) سید حمید طبیبیان، فرهنگ فرزنان فارسی - عربی، فرزنان، ۱۳۷۸ ش.
- (۶) التوحید (مجله)، مؤسسه التوحید للنشر الثقافی.
- (۷) ویل دورانت (م. ۱۹۸۱ م.)، تاریخ تمدن، ترجمه: آرام و دیگران، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ ش.
- (۸) سمیع دغیم، موسوعة مصطلحات العلوم الاجتماعية والسياسية، بیروت، مکتبة لبنان ناشرون، ۲۰۰۰ م.
- (۹) مجدتقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲ ش.

پانویس

- ↑ التحقیق، ج ۱۱، ص ۵۵، «مدن».
- ↑ گلستان قرآن (هفته نامه)، ۴، ص ۶۱۰۹، تهران، مرکز توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی.
- ↑ گلستان قرآن (هفته نامه)، ۳، ص ۲۸۲۶، تهران، مرکز توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی.
- ↑ گلستان قرآن (هفته نامه)، ۲، ص ۲۹۱۲، تهران، مرکز توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی.
- ↑ سید حمید طبیبیان، فرهنگ فرزنان فارسی - عربی، ص ۲۷۳، فرزنان، ۱۳۷۸ ش.
- ↑ عبدالرحمن بن مجد بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۷۲، به کوشش علی عبدالواحد، قاهرة، دار نهضة مصر.
- ↑ عبدالرحمن بن مجد بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۲۷۱، به کوشش علی عبدالواحد، قاهرة، دار نهضة مصر.
- ↑ عبدالرحمن بن مجد بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۲۸۸ - ۲۹۰، به کوشش علی عبدالواحد، قاهرة، دار نهضة مصر.
- ↑ علی اکبر ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۱، ص ۲۵ - ۲۷، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهش، ۱۳۸۲ ش.
- ↑ «الحضارة الغربية والحضارة الاسلاميه»، التوحید (مجله)، ج ۱، ص ۱۴ - ۱۶، مؤسسه التوحید للنشر الثقافی.
- ↑ پژوهش‌های علوم انسانی (فصلنامه)، دانشگاه قم، ج ۱، ص ۹۵ - ۹۶.
- ↑ گفتگوی تمدن‌ها، ص ۹ - ۱۱.
- ↑ پژوهش‌های علوم انسانی (فصلنامه)، دانشگاه قم، ج ۱، ص ۹۵.
- ↑ پژوهش‌های علوم انسانی (فصلنامه)، دانشگاه قم، ج ۱، ص ۴۷.
- ↑ پژوهش‌های علوم انسانی (فصلنامه)، دانشگاه قم، ج ۱، ص ۴۷.
- ↑ علی اکبر ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۱، ص ۳۰، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهش، ۱۳۸۲ ش.
- ↑ ویل دورانت (م. ۱۹۸۱ م.)، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۳ - ۶، ترجمه: آرام و دیگران، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ ش.
- ↑ عبدالرحمن بن مجد بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۸۲، به کوشش علی عبدالواحد، قاهرة، دار نهضة مصر.
- ↑ عبدالرحمن بن مجد بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۳۱ - ۳۲، به کوشش علی عبدالواحد، قاهرة، دار نهضة مصر.
- ↑ عبدالرحمن بن مجد بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۲۲، به کوشش علی عبدالواحد، قاهرة، دار نهضة مصر.
- ↑ عبدالرحمن بن مجد بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۲۶۸، به کوشش علی عبدالواحد، قاهرة، دار نهضة مصر.
- ↑ سمیع دغیم، موسوعة مصطلحات العلوم الاجتماعية والسياسية، ص ۲۰۷، بیروت، مکتبة لبنان ناشرون، ۲۰۰۰ م.
- ↑ عبدالرحمن بن مجد بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۲۶۹، به کوشش علی عبدالواحد، قاهرة، دار نهضة مصر.
- ↑ عبدالرحمن بن مجد بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۷۲، به کوشش علی عبدالواحد، قاهرة، دار نهضة مصر.
- ↑ عبدالرحمن بن مجد بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۲۷۲، به کوشش علی عبدالواحد، قاهرة، دار نهضة مصر.
- ↑ التوحید (مجله)، ج ۱، ص ۱۵، مؤسسه التوحید للنشر الثقافی.
- ↑ عبدالرحمن بن مجد بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۳۹، به کوشش علی عبدالواحد، قاهرة، دار نهضة مصر.
- ↑ عبدالرحمن بن مجد بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۲۷۱، به کوشش علی عبدالواحد، قاهرة، دار نهضة مصر.
- ↑ عبدالرحمن بن مجد بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۷۲، به کوشش علی عبدالواحد، قاهرة، دار نهضة مصر.
- ↑ پژوهش‌های علوم انسانی (فصلنامه)، دانشگاه قم، ج ۱، ص ۲۶۹.
- ↑ مجدتقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۵، ص ۱۶۱، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
- ↑ مجدتقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۲۲-۲۲۳، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲ ش.

منبع

